

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آبینه نفس



تازنده هستی و می توانی یک کاری برای خود بکن!

روزی به محضر مرحوم علامه محمدتقی جعفری رسیدم و در پایان دیدار از ایشان تقاضا نمودم برای این کتابخانه شکیل و بزرگی که دارند، یک بیت شعری بفرمایند تا سا خط خودم به نستعلیق یا آیه و حدیثی به خط ثلث بنویسم و در دیدار بعدی تقدیم کنم تا در کتابخانه‌شان نصب شود.

تشویقم کردند و پرسیدند: به چند شیوه خوشنویسی می‌کنید؟ و از علاقه خودشان به خوشنویسی گفتند.

سپس قدری تأمل کردند و فرمودند این شعر را بنویس: تا رسد دستت به خود، شو کار گرا/ چون فتی از کار، خواهی زده سر.

پرسیدم: استاد این شعر از کیست؟ فرمودند: در حوزه نجف از محضر استادی بنام شیخ مرتضی طالقانی عارف بزرگ استفاده کردم. دو روز به فوتش مثل هر روز به محضرش شاتقم. فرمودند:

برای چه آمدی آقا؟

عرض کردم: آمده‌ام که درس بفرایم. فرمودند: آقا!ان درس تمام شد، برخیز و برو، درس تمام شد، من مسافرم، «خر طالقان رفته پالانش مانده، روح رفته، جسدش مانده» و بعد کلمه «لااله الاالله» را اتکرار کردند و اشک از چشمانشان سرازیر شد. متوجه شدم شیخ از رحلتش خبر می‌دهد.

عرض کردم: آقا! حال یک چیزی بفرمایید تا مرخص شوم. فرمودند: آقا! فهمیدی؟ متوجه شدی؟ بشنو: تا رسد دستت به خود، شو کار گرا/ چون فتی از کار، خواهی زده سر.

فرای آن روز خبر آمد که شیخ مرتضی طالقانی به ابدیت پیوست. منبع: کانال تلگرامی محمدرضا زائری، نقل خاطره از استاد رضا حمیدی، ۱۳۰۰/۸/۲۵.



پیشرفت علم در ایران

یک گوگل محلی قوی می‌خواهد

رسول جعفریان، رئیس کتابخانه دانشگاه تهران در تویییت نوشت: یک وقتی نوشتم، گوگل نوک پیکان پیشرفت علم است. حالا می‌پرسم، گوگل ایران کدام است؟ چند شرکت ضعیف که حداکثر کارشان الکترونیکی کردن کارهای ادارات است. در کتابداری هم کار لنگ است، اهل فن می‌دانند وضع خوبی نداریم، پیشرفت علم در ایران، یک گوگل محلی قوی می‌خواهد. مع‌الاسف نخبران!



حاصل خصوصی سازی فقط هفت تپه نیست

عباس تقدسی نژاد توثیت کرد: خصوصی سازی در ایران فقط برای مجموعه‌های بزرگی مثل هفت تپه ، مغان و... دیده شده است(که نتیجه واگذاری مشخص است)، حال آنکه بیش از ۷۰ درصد سهم تولید در کشور مدیون واحدهای کوچکی است که چنانچه حمایت دولت و خصوصی سازی صورت گیرد، تنوعی از مالکان با انگیزه باعث رشد تولید خواهد شد.

تصویر منتخب



باغ شاهزاده امغان - کرمان این باغ نخست به دستور محمدحسن خان سردار ارواحی حاکم وقت کرمان ساخته شد وبنای درون آن بعدها توسط عبدالحمید میرزا ناصرالدوله حاکم کرمان طی ۱۱سال حکمرانی وی(۱۲۹۸ ه‍.ق -۱۳۰۸ ه‍.ق) ساخته شد.

چون

|روزنامه جوان| شماره ۶۳۳|

کاربران

|یکشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۰| ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳|



بازتاب‌های مجازی اعتراضات مردم اصفهان برای احیای زاینده‌رود

اعتراضات مردم اصفهان به خشکی زاینده‌رود و حواشی آن بازتاب‌ویژه‌ای در شبکه‌های اجتماعی داشت. کاربران توییتر از جنبه‌های مختلف به این ماجرا واکنش داشتند. برخی کاربران که عمدتاً از اهالی اصفهان هستند، اصل مطالبه معترضان را منعکس کردند تا سایر مردم کشور بی‌واسطه از این مسائل آگاه شوند. برخی نیز به مسبین خشکی زاینده‌رود و تصمیم‌گیران در دولت‌های پیشین

■ **مجتبی شاهمرادی:**

مرحوم پدربزرگم می‌فرمودند: «زاینده‌رود کارگروه و دستور و ستاد و کمیته ویژه و محیطزبستی تاریخ ایران که تاریخ خاورمیانه و شاخصی بر توسعه‌یافتگی ماست؛ چراکه میزان توجه به محیط‌زیست با عیار دانایی و توسعه‌یافتگی ملت‌ها نسبت‌دارد. چنین اجتماع پرشور و آرامی حتی در اروپا هم کم‌سابقه است.

■ **جلال قادری:**

امیدواریم مسئولان متوجه قدر و ارزش این منتات وصوری ۲۰ساله مردم اصفهان باشند.

■ **منتم گرمیان:**

تنها کاری که این شبانوی فضای مجازی ازم برمیآید اینه که توثیت‌های مرتبط بازاینده‌رود رو ریتوئیت کنم، بلکه جامعه متوجه شه که ششپر اصفهان، برخوردار نیست. نه آب داره، نه هوای سالم و نه زمین سالم. به گفته

کارشناسان با تداوم تنش آبی، اصفهان تا ۱۰سال آینده قابل سکونت نیست.

■ **محمد درویش:**

راهپیمایی امروز مردم اصفهان در بستر خشک زاینده‌رود، نه‌فقط بزرگ‌ترین تجمع محیط‌زبستی تاریخ ایران که تاریخ خاورمیانه و شاخصی بر توسعه‌یافتگی ماست؛ چراکه میزان توجه به محیط‌زیست با عیار دانایی و توسعه‌یافتگی ملت‌ها نسبت‌دارد. چنین اجتماع پرشور و آرامی حتی در اروپا هم کم‌سابقه است.

■ **مهدی پرازنده:**

تجمع گسترده و مسالمت‌آمیز مردم اصفهان می‌تواند الگویی برای احقاق حقوق مردم سایر نقاط کشور باشد؛ ضمن اینکه حرکت هر آشوبگر و منافقی با همه‌گیری شدن این تجمعات خنثی خواهد شد. زاینده‌رود

■ **کاربری با نام «محمد علی»:**

مطالبه درست و قشنگی را مردم محترم اصفهان برای زاینده‌رود آغاز کردند.خواست‌ها و اهداف مشخص است. صدواسیمای ابتدا



امریکا، انگلیس و... بر ایران پتانزند و در دوگانه

ایران-غرب سکوت کرده‌اند. منتظرند دیگری براندازد و ایشان فقط کف و سوت آن را برزنند، اما اجازه همراهی علنی با دشمنان ایران را به خود نمی‌دهند. احتمالاً این جماعت قدری با تاریخ ۲۰۰ساله ایران آشنایی دارند.

برخی اپوزیسیون هستند، اما به اخلاق و وجدان پایبندند. برای خود حریتی قائل هستند، اگر ۱۰ اشکال به جمهوری اسلامی وارد می‌کنند، ممکن است یک نکته مثبت را هم بگویند. انصاف فقط برای شان موضوعیت دارد.

۴) عده‌ای هستند که به این باور رسیده‌اند که دشمنی غرب با جمهوری اسلامی فراتر از نظام سیاسی مستقر است. متوجه شده‌اند که از نگاه غرب این فرهنگ و تمدن ایران است که



بزرگ‌ترین تجمع محیط‌زیستی تاریخ

محمد درویش در تویییت نوشت: راهپیمایی مردم اصفهان در بستر خشک زاینده‌رود، نه‌فقط بزرگ‌ترین تجمع محیط‌زبستی تاریخ ایران که تاریخ خاورمیانه و شاخصی بر توسعه‌یافتگی ماست؛ چرا که میزان توجه به محیط‌زیست با عیار دانایی و توسعه‌یافتگی ملت‌ها نسبت دار. چنین اجتماع پرشور و آرامی حتی در اروپا هم کم‌سابقه است.

برای احیا، گسترش و تعمیق مرجعیت‌رسانه‌ای

که عده‌ای می‌خواهند با شیطنت و شعارهای

سیاسی و ضعیت را امنیتی جلوه‌بدهند نامردی در حق مردم و زاینده‌رود است.

#طالبه_صحیح_کشاورزان

■ **محمدجواد اخوان:**

پروژه انتقال آب بین‌استانی که امروز بخشی از ریشه چالش میان مردم استان‌های کشور شده، از دوره سازندگی شروع شد و در دوره دوم خرداد با مسلط شدن جریان‌ی خاص

از یک استان بر دولت وزارت نیرو، شتاب و سمت‌وسوی قومی پیدا کرد. #اصفهان_#آب

■ **اکبر نبوی:**

نحوه انعکاس اعتراضات مردم اصفهان درباره کمبود آب و خشک شدن زاینده‌رود از سوی صدواسیمایسته تقدیر است. امیداست این اقدام، مقطعی و موردی نباشند و آقای جبلی

شنیو‌های جدید برای شناسایی زیرگروه‌های از سرطان خون با هوش مصنوعی

مجله تلگرامی «هوش مصنوعی» نوشت:

پژوهشگران بیمارستان مانت ساینای Mount Sinai Hospital و مدرسه پزشکی آیکان در مانت‌ساینای (ISMMS)، یک مدل محاسباتی جدید ابداع کرده‌اند که از داده‌های توالی DNA و آران‌ای به دست آمده از صدها بیمار استفاده می‌کند

تا به شناسایی ژن‌های ویژه و تغییرات

ژنتیکی عامل زیر‌گروه‌های نوعی سرطان خون موسوم به «مولتیپل میلوما» (Multiplemyel -ma) بپردازد که پیشتر تعریف نشده بودند. این نخستین پژوهشی است که با استفاده از روش یکپارچه‌سازی و تجزیه و تحلیل انواع داده‌ها موسوم به «مولتی اومیکس» (Multiomics) صورت می‌گیرد تا یک مدل محاسباتی مولتیپل میلوما را ارائه دهد که دانشمندان آن را «MM-PSN» نامیده‌اند. برخی از ژن‌های شناسایی شده در این پژوهش، با خطر برگشت بیماری مرتبط بودند.
الساندرو لاگانا (Alessandro Lagana)، استاد‌یاب سرطان‌شناسی در بیمارستان مانت‌ساینای و پژوهشگر ارشد این پروژه گفت: یافته‌های پژوهش ما، پیامدهای فوری را برای توسعه ابزارهای جدید پزشکی دقیق و آزمایش‌های بالینی به همراه دارند.

جای خالی لوازم‌اندیشی

احسان بابایی در کانال تلگرامی خود نوشت: حرف‌های خوب راجع به بایسته‌های اداره کشور کم نیست. اما هر کدام از این حرف‌های خوب لوازمی دارد که معلوم نیست چقدر پایبندی نسبت به آن وجود دارد. بی‌اعتنایی نسبت به لوازم تحقق حرف‌های خوب، همان حرف‌ها را هم بی‌اعتبار می‌سازد.

یکی از جنبه‌های عقلانیت، «لوازم‌اندیشی» در فهم و تحلیل یک دیدگاه، یک اقدام، برنامه و یک هدف و آرمان است. لوازم‌اندیشی، یعنی تأمل در مقدمات، نتایج نظری و عملی یک دیدگاه یا اقدام یا هدف. چه بسیار دیدگاه‌ها، اقدامات و اهدافی که به‌عنوان مطلوب مطرح می‌شود که اگر در لوازم آن اندیشیده شود، گوینده در دفاع از آن دیدگاه و اقدام و هدف، ناتوان خواهد بود. رعایت لوازم و فراهم آوردن مقدمات یک مطلوب به‌اندازه تکرار یک ایده، آسان نیست. لوازم‌اندیشی کمک می‌کند وسایل دسترسی به اهداف معرفی شده و مسیری را که باید پیموه شود، بشناسیم. با لوازم‌اندیشی به «تناقضات» نهفته در سخن و رفتار پی می‌بریم، به کمک لوازم‌اندیشی، «بیمعات» سخن و رفتار مطلوب خود را پیدا می‌کنیم و به این وسیله می‌توانیم میزان واقعی «پایبندی» خود به سخن و رفتار و هدف اعلام شده را بسنجیم. لوازم‌اندیشی، شعارهای ما را و نیز نحوه مواجهه با شعارها را عقلانی می‌سازد. در این صورت تنها به تکرار شعارها اکتفا نخواهیم کرد، به ابزارهای دسترسی به اهداف نیز فکر خواهیم کرد. سهمی از در جان‌دها و شکست‌ها، بخشی از «شکل‌گرای» و خالی شدن از محتوا، شعارزدگی و عمل‌گریزی را باید در عدم مهارت عمومی در لوازم‌اندیشی سراغ گرفت.

مغز اجتماعی شده

سیدحسین موسوی در کانال تلگرامی خود نوشت: مهم فرار یا ماندن آنچه «مغزها» می‌خوانند نیست. حتی اگر ببذیریم که حقیقتاً این نخبان و البت‌ها و مغزهایند که جامعه را به پیش می‌برند و راه توسعه را می‌شناسند (که البته امروزه محل تردید جدی است) و توده نیز همواره نظاره‌گر است و منتظر، با این حال امروز مسئله ماندن یا رفتن نیست، بلکه مسئله چگونگی این دوست است. ما نیاز داریم تا نوعی «مغز اجتماعی شده» سخن بگوییم. مغزی که همبستگی را، تعلق را، جامعه را، سرنوشت جمعی را، دیگری را، پیوند و ارتباط را، خیر و منافع جمعی را چراغ راه خود قرار دهد. اگر بتوانیم «مغز اجتماعی شده» را در برابر «مغز فردی» در هر سطحی بنشانیم، اگر بتوانیم دوم‌ترتبه از ارزش‌های مشترک که سخن بگوییم و آثار باافرینی و احیاکنیم، مغزهای جامعه در هر سطحی از استعداد و دانش و... پیش از خود و پیش پای خود، می‌بینند و در جهت ارزش و معنایی کلان‌تر و خارج از خود، تلاش می‌کنند. امروز «تحصیل کردگی» مبتنی بر رقابت و فردیت افراطی، به نسیم مهلکی برای داربست‌ها و مناسبات اجتماعی ما بدل شده. پس مسئله تولید یا نگه داشتن مغز نیست. مسئله تولید انسانی است که تعلق و پیوستگی به جمع و اجتماع را بفهمد و در نظر گرفتن چیزی بیرون از خود را به جای ذهن محاسبه‌گر بنشاند. ما نه به مغزهای طماع که به ذهن جماعت‌گرا و فضیلت‌مند، محتاجیم.

رفع ممنوعیت استفاده از تلگر افخانه انگلیس در ۱۱۸ سال پیش

عبدالله شهپدازی، پژوهشگر تاریخ، در کانال تلگرمی خود بخشی از صفحه ۶۹۴ «وقایع اتفاقیه: گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس» را در خصوص رفع ممنوعیت استفاده از تلگر افخانه انگلیس در زمان سلطنت مظفرالدین شاه مورخ شوال ۱۳۲۰ ق. از تیرماه ۱۹۰۳ م، به اشتراک گذاشت. در این گزارش



آمده است: دیگر آنکه محض اینکه چهار پنج روز است حکم دولتی داده شده که عموم مردم اگر بخواهند از تلگر افخانه انگلیس به هر جا تلگراف بگویند مرخص هستند و منعایتی نیست دیگر تلگر افخانه ایرانی چندان دخلی نمی‌کند و مردم اغلب مطلب به تلگر افخانه انگلیسی می‌دهند و هنوز همه اهالی شیراز و بلوکات و اطراف از این حکم خبر ندارند. بعد از آنکه همه از این حکم مخبر شوند دیگر کمتر به تلگر افخانه ایرانی کسی مطلب می‌دهد. اگر کسی هم بدهد فقط به جهت تفاوت قیمت تلگراف است که تلگر افخانه ایرانی از تان می‌گیرند والا به ملاحظات دیگر از قبیل مخفی نبودن و مطلب را رسانیده و غیره همه مردم به تلگر افخانه انگلیس رغب هستند. به جهت عموم مردم خوب شده است چون تلگر افخانه ایرانی خیلی بی‌نظم است.

رباعیات خیام در جیب کشته‌های جنگ جهانی اول

کانال تلگرمی «نیشتین چه می‌گوید؟» در راستای مطالب متفاوتی که پنج‌شنبه‌به‌اشتراك می‌گذارد، نوشت: کتاب رباعیات عمر خیام، سروده‌های حکیم عمر خیام، شاعر و فیلسوف ایرانی در قرن ۱۲ میلادی است. این کتاب توسط محقق انگلیسی، ادوارد فیتز‌جرالد در سال ۱۸۵۹ برای اولین بار به زبان

انگلیسی ترجمه شد. تا حدحافل آغاز جنگ جهانی اول، رباعیات خیام به شهرتی گسترده رسید، به‌طوری که کتاب حاصل از ترجمه فیتز‌جرالد ۴۴۷ بار تجدید چاپ شد حتی در حین جنگ، در جیب سربازان کشته شده، نسخه‌هایی مچاله شده از رباعیات عمر خیام یافت شدند.

تاریخ همیشه شنواست

علی داریبی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: هنرمندی بر دیوار از دل سنگ و خاک، گوش انسانی را خلق کرده است. بعضی از بینندگان اینطور گفتند و نوشتند که هدف هنرمند، آفرینش تصویری همان مُثل فارسی «دیوار موش دار و موش هم گوش داره» است. اما من اینطور فکر نمی‌کنم. این دیوار مرا به یاد کاخ‌ها و قلعه‌ها و قصرهای تاریخی می‌اندازد. انگار که «این گوش از دل تاریخ برآمده» واگون ما را می‌شود. جمعی از فلاسفه و فیزیکدانان متأخر بر این باورند که مفهوم «زمان» خطی و مستقیم نیست. هر چند در این باب مناقشه است ولی باید ببذیریم «هستی» در تقابل با گذشته و آینده نیست» بلکه به قول عرفای اشراقی، همه‌چیز در «آن» جریان دارد و گذشته و آینده باهم در سیلان هستند. فکر می‌کنم «این گوش از دل تاریخ برآمده است.» که‌ها و غسه‌ها، شادی و جشن‌ها، قتل و نارت، آبادانی و سازندگی و بسیاری از حرف‌های زشت و زیبا را شنیده و حال پای صحبت‌های ما نشسته است. انگار امروز ما از گذشته متأثر است و ما نیز در ساختن و آویت از تاریخ، سهم ایفای می‌کنیم «تاریخ، برهه‌های فراموش شده و جدات‌فقد نیست.» تاریخ همین حال‌است. میراث فرهنگی صرفاً به معنای اثر کهن و قدیمی نیست بلکه میراثی زنده، حیاتبمند و جاوداست. مثل این گوش صدای آنها را به صدای ما گر می‌زند و بر این باورم که تاریخ همیشه شنواس...



عقیق

اندر اینکده، حیرت‌انگاز جوان